مرور

قانون و تناقض‌های آن

● سازگاری و رفع تناقض میان سامان‌دهی زندگی فرد و جامعه و تعریف و حمایت از آزادی‌های فردی، به عبارتی سازگاری میان قانون و آزادی، یکی از بنیادی‌ترین مسائل در قلمرو حقوق عمومی است که بدون یک معیار و نظریه توجیه‌پذیر حل‌شدنی نیست. حقوق کیفری با فرض جمع‌پذیربودن قانون و آزادی، در پی تعیین اعمال مجرمانه و مجازات‌ها است؛ اما تعیین اعمال مزبور محتاج دلیل و توجیه است. قانون در پی تحدید آزادی‌ها به‌ویژه از طریق نظام حقوق کیفری است. پرسش آن است که معیار بنیادین قانون برای این محدودسازی چیست. آیا اخلاق متعارف جامعه می‌تواند چنین نقشی ایفا کند؟ آیا اخلاق منحصر به اخلاق متعارف است؟ کتاب هربرت هارت با عنوان «قانون، آزادی و اخلاق» که درآمدی بر فلسفه‌های حقوق کیفری و حقوق عمومی به شمار می‌آید، به بررسی و نقد موشکافانه پرسش‌های مذکور می‌پردازد. این کتاب در سال ۱۳۸۸ با ترجمه محمد راسخ در انتشارات طرح نو منتشر شده بود و هم‌اکنون ویراست دوم آن در نشر نی منتشر شده است. راسخ پیشگفتاری در معرفی آرای هربرت هارت بر آن نوشته است. کتاب برای اولین بار در سال ۱۹۶۳ میلادی در انگلستان و آمریکا منتشر و تا سال ۱۹۸۶ هشت بار تجدید چاپ شد. این کتاب مشتمل بر سه سخنرانی است که در سال ۱۹۶۲ در دانشگاه استنفورد ایراد شد و همانند دو مقاله معروف هارت یعنی «شرارت و خیانت» و «استفاده و سوءاستفاده از حقوق کیفری» به منظور مشارکت در بحثی عمومی در انگلستان درباره قلمرو صحیح حقوق کیفری بیان شد. این بحث در پی انتشار گزارش «کمیته جرائم همجنس‌گرایی و روسپی‌گری» به راه افتاد. این گزارش پیشنهاد داده بود که مجازات همجنس‌گرایی بین دو شخص بالغ که در خلوت و با رضایت هر دو صورت می‌گیرد، برداشته شود؛ به‌این‌دلیل که حتی اگر چنین اعمالی نزد بسیاری از مردم غیراخلاقی تلقی شوند، چیزی بیش از این تلقی لازم است تا استفاده از حقوق کیفری را در ممنوعیت و مجازات آن افعال موجه کند. برای فهم کتاب حاضر دریافت این مطلب ضروری است که مباحث آن اساسا از یک ویژگی سلبی برخوردارند و برای مقابله با ادعای خاص استفاده از حقوق کیفری برای مجازات نقض‌کنندگان اخلاق متعارف جامعه در این ماجرا طرح شده‌اند. هارت تلاش می‌کند این مسئله را با تفکیک میان اخلاق واقعا موجود در جامعه و اخلاق انتقادی روشن کند. از نظر او بسیار نامعقول است اگر فکر

قانون، آزادی و اخلاق

هربرت هارت
ترجمه: محمد راسخ
ناشر: نی
چاپ اول: ۱۳۹۷
قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

کنیم یک سیاه‌پوست آفریقای جنوبی که از پیروی از دستورات اخلاقی آپارتاید سر باز می‌زند، یا یک زن هندو که از «ساتی» (دستورات دین هندو که زن خود را در مراسم تدفین شوهر قربانی می‌کند) در مقام وظیفه اخلاقی‌اش اطاعت نمی‌کند یا فردی که عملی را مرتکب می‌شود که از دید اخلاق متعارف اجتماعی ممنوع است، به صرف این قبیل اقدامات به خود ضرر و آسیب «اخلاقی» می‌رسانند. از نظر هارت، مطمئنا اگر «سلامت اخلاقی» و «ضرر اخلاقی» بخواهند معنایی داشته باشند و صرفا مترادف تطابق یا عدم تطابق با اخلاق اجتماعی به کار نروند، باید برای «ضرر» یا آسیب اخلاقی یک معیار مستقل از وجه ادعایی غیراخلاقی‌بودن رفتار وجود داشته باشد.

در یک سطح نظری و فراحقوقی، پاسخ‌هایی گوناگون به سؤال از چرایی جرم‌انگاشتن یک عمل داده شده است. یکی از پاسخ‌های مشهور این است که اعمال ناقض اخلاق متعارف در جامعه مجرمانه و مجازات‌پذیرند. حقوق عمومی و کیفری هر دو با آزادی‌های فردی سروکار دارند. در حقوق عمومی مبانی و چهارچوب‌های رفتاری در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی انسان پایه‌گذاری می‌شود. افزون بر آن اعمال قدرت در این چارچوب‌ها به نحو ماهرانه و با درنظرگرفتن اراده آزاد افراد صورت می‌گیرد. در این کتاب هارت به دنبال نقد نظریه اخلاق توسط قانون کیفری در هر دو قرائت افراطی و معتدل آن است. در یک قرائت (نظریه افراطی) اخلاق بماهو اخلاق باید حفظ شود؛ فارغ از پیامدهای آن؛ و در قرائتی دیگر (نظریه معتدل) اخلاق به منظور حفاظت از اصل وجود جامعه حفظ می‌شود. هارت استاد حقوق کیفری و فلسفه حقوق در دانشگاه آکسفورد و از مهم‌ترین مدافعان اثبات‌گرایی حقوقی در قرن بیستم بود. او را می‌توان در دسته فیلسوفان آزادی‌خواه و سودانگار و ادامه‌دهنده نظریات کسانی مانند جرمی بنتام و جان استوارت میل دانست که تاثیر شگرفی بر فیلسوفان و اندیشمندان پس از خود ازجمله جان رالز، جوزف رز و رونالد دوورکین داشته است. مهم‌ترین اثر او کتاب «مفهوم قانون» است که به بسط و ارتقای مکتب اثبات‌گرایی حقوقی در چارچوب فلسفه تحلیلی می‌پردازد و آن هم به قلم راسخ به فارسی ترجمه شده است. به طور کلی اهمیت هارت و آثار او در تاثیر شگرفی است که بر فلسفه حقوق و توسعه نظریه اثبات‌گرایی حقوقی جدید داشته است.

درباره کتاب «اختراع قوم یهود» اثر دوران‌ساز شلومو سند

پیوند اسطوره و تاریخ

امیررضا گلابی

مساله فلسطین همواره در کانون تنش‌های خاورمیانه بوده. از تاریخ تاسیس رژیم صهیونیستی تاکنون، کمتر حادثه‌ای در خاورمیانه می‌توان یافت که ردی از این تنش در آن وجود نداشته باشد. امروزه که در آستانه یک سالگی راهپیمایی گروهی بازگشت مردم غزه و در شرف انتخابات اسرائیل هستیم به نظر می‌رسد این تنش هیچ‌گاه تا این حد بحرانی نبوده. ایالات متحده به زعامت ترامپ دیگر حتی سعی نمی‌کند نقش میانجی بی‌طرف را بازی کند و با اعلام پذیرش بیت‌المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل در سال گذشته و پذیرش بلندی‌های جولان به عنوان بخشی از خاک اسرائیل در امسال عملا نقاب بی‌طرفی را کنار زده و در کنار متحد قدیمی‌خود اسرائیل ایستاده.

از سوی دیگر امروزه بیش از پیش مشخص شده که آرمان تشکیل دو دولت مستقل فلسطین و اسرائیل حتی نزد مدعیانش خریداری ندارد. اسرائیل عملا با شهرک‌سازی گسترده در کرانه باختری و اسکان بیش از ۷۰۰ هزار شهرک‌نشین امکان تشکیل دولت فلسطینی مستقل را از بین برده. وعده الصاق شهرک‌های یهودی‌نشین در کرانه باختری از سوی کاندیداهای مهم انتخابات پیش‌روی اسرائیل میخ آخر به تابوت سیاست فوق بود.

در سایه چنین تحولاتی باید از خود بپرسیم آیا آرمان آزادی مردم فلسطین و تشکیل دولت فلسطین آرمانی ازدست‌رفته است؟ با توجه به نکات ذکرشده به نظر می‌رسد این آرمان هیچ‌گاه اینقدر دور از دسترس نبوده. اما واقعیت این است که از سوی دیگر این آرمان هیچ‌گاه اینقدر دست‌یافتنی هم نبوده. به رغم چرخش عمیق جامعه یهودیان اسرائیل به سمت راست، به نظر می‌رسد سایر یهودیان خصوصا یهودیان آمریکا بیش از پیش نظری انتقادی نسبت به سیاست‌های اسرائیل پیدا کرده و نسبت به سیاستمداران خود دیدگاهی واقع‌گرایانه‌تر به کابینه راست‌گرای اسرائیل دارند. به رغم چرخش دولت‌های عربی به سوی اسرائیل (آن‌هم البته تحت فشار آمریکا) خللی در رویکرد ملت‌های عرب و مسلمان نسبت به اسرائیل رخ نداده. همه اینها را باید در کنار جنبشی بگذاریم که از درون اسرائیل از اواخر دهه هشتاد تاریخ رسمی اسرائیل را زیر سؤال برد. جنبشی به نام «تاریخ‌نویسان نوین اسرائیل» که کتاب «اختراع قوم یهود» از جمله دستاوردهای آن است.

اشغال لبنان در سال ۱۹۸۲ توسط ارتش اسرائیل لحظه تاریخی مهمی برای بسیاری از تاریخ‌نویسان اسرائیلی بود. ارتشی که داعیه آن همواره دوری از کینه و تنزه‌طلبی بود و خود را «اخلاق‌مدار» و تشکیل‌شده بر مبنای ایده دفاع در برابر متجاوز می‌خواند، به یکباره به بهانه سرکوب فلسطینیان پناه‌برده به لبنان دست به اشغال کشور همسایه زد. جنایات ارتش اسرائیل در لبنان، علی‌الخصوص کشتار معروف اردوگاه‌های صبرا و شتیلا دعاوی فوق را نقش بر آب کرد. اکنون بسیاری از طرفداران اسرائیل با وضعیتی پارادوکسیکال مواجه بودند، آیا کابینه تازه‌تاسیس کابینه‌ای است مدعی دفاع از یهودیانی که از مصائب جنگ جهانی جان به در برده‌اند و اکنون به فلسطین پناه آورده‌اند؟ یا کابینه‌ای است استعماری که چشم به خاک کشورهای همسایه دوخته و ماهیتی تهاجمی دارد؟ ضربه مهم دیگر گشوده‌شدن آرشیوهای اسرائیل به روی محققان بود. آرشیوهایی که ناباورانه بخش عظیمی از اسطوره‌هایی را زیر سوال می‌برد که اسرائیل بر آن بنا شده بود. از جمله این اسطوره‌ها می‌توان به اسطوره «کشوری بدون مردم، برای مردمی بدون کشور» اشاره کرد. طبق این ادعا، سرزمین فلسطین در زمان مهاجرت یهودیان خالی از سکنه بوده و بعدها اعراب (عمدتا اردنی) به طمع بهره‌بردن از آبادی‌هایی که یهودیان ایجاد کرده بودند دست به مهاجرت به اسرائیل زدند و جنگ ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ نبردهایی برای بیرون‌راندن این میهمانان ناخوانده بود. آرشیوهای اسرائیل نشان می‌داد که این اسطوره نیز از بن اشتباه است. اسطوره دیگر این بود که فلسطینیان خانه و کاشانه خود را به میل خود و به دستور رهبران خویش ترک کرده بودند، نه به زور سرنیزه صهیونیست‌ها. آرشیو اسرائیل نشان می‌داد که برنامه پاکسازی قومی اعراب برنامه‌ای حساب‌شده و مبتنی بر استفاده قساوت‌مندانه از زور بوده. خلاصه اینکه شواهد تاریخی به‌دست‌آمده جدید عمدتا با روایت رسمی اسرائیل مطابقت نداشت.

در نتیجه این تحولات نسل جدیدی از تاریخ‌نویسان اسرائیل شکل گرفت. بنی موریس، از جمله پیش‌قراولان این نسل جدید، واژه «تاریخ‌نویسان نو» را در سال ۱۹۸۸ برای توصیف این گروه به کار برد. از جمله معروف‌ترین تاریخ‌دانان این نسل علاوه بر بنی موریس می‌توان از ایلان پاپه، آوی شالوم و شلومو سند نام برد.

علی‌رغم موضع انتقادی تاریخدانان جدید نسبت‌به روایت رسمی، موضع سیاسی این تاریخدانان با هم یکسان نبود. گروهی از آنها، از جمله بنی موریس، به عنوان یکی از معروف‌ترین افراد این گروه، نه تنها در مواضع صهیونیستی خود تجدید نظر نکردند بلکه با گذشت زمان بیشتر به سمت راست‌گرایان صهیونیستی گرایش پیدا کرد. استدلال این گروه این بود که هر چند فجایع صورت‌گرفته علیه بومیان فلسطینی در زمان تشکیل دولت اسرائیل غیرقابل‌انکار است، اما یهودیان چاره دیگری نداشتند و برای پاگرفتن چنین دولتی چنان جنایاتی گریزناپذیر بود (به‌طور مثال می‌توان به کتاب «ارض موعود من» اثر آری شاویت اشاره کرد). در مقابل پاپه، سند و شالوم روزبه‌روز در موضع انتقادی خود نسبت به صهیونیسم ثابت‌قدم‌تر شدند. از دید ایشان خصومت اسرائیل با فلسطینیان به پیش از سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۴۷ بلکه حتی پیش از آن بازمی‌گردد و ریشه آن در ماهیت ایدئولوژی «صهیونیسم» نهفته است.

کتاب «اختراع قوم یهود» از شلومو سند، از جمله آثار مهم و اثرگذار در عرصه تاریخ نوین اسرائیل است. شلومو سند استاد تاریخ دانشگاه تل‌آویو از جمله مهم‌ترین تاریخ‌نویسان اسرائیل و برجسته‌ترین منتقدان تاریخ رسمی صهیونیسم است. سند با نگاه به پروژه ملت‌سازی در قرن ۱۹ به‌درستی یادآور می‌شود که این پروژه به نحوی آگاهانه با ترکیب اسطوره و تاریخ دست به اختراع نهادی زد که ما امروزه «ملت» می‌نامیم؛ نهادی که تا پیش از قرن نوزدهم، آن‌گونه که امروزه می‌شناسیمش وجود نداشته.

استفاده از اسطوره در سیاست سابقه‌ای دیرینه دارد. شاید مهم‌ترین شاهد معاصر آن پیدایش رژیم نازی در آلمان باشد. اثر مهم کاسیرر «اسطوره دولت» به‌خوبی درهم‌تنیدگی اسطوره و سیاست در آلمان هیتلری را به تصویر می‌کشد. هرچند از دید کاسیرر دولتی مبتنی‌بر اسطوره مانند دولت آلمان نازی لاجرم دولتی عقل‌گریز و در نتیجه سرکوب‌گر است، اما به نظر می‌رسد پیوند سیاست و اسطوره آن‌قدر ناگسستنی و نزدیک است که از آن گریزی نیست و توهم رهاشدن از اسطوره تنها در نظریه ممکن است. سایر محققان از جمله بلومنبرگ و سورل به ما نشان می‌دهند که درهم‌تنیدگی اسطوره و سیاست به حدی است که نمی‌توان نظامی سیاسی یافت که ریشه در اسطوره نداشته باشد. سند به این مهم آگاه است و پیوند اسطوره و سیاست را مختص اسرائیل نمی‌داند؛ به‌ویژه اینکه در قرن نوزدهم و با پیدایش مفهوم جدید دولت- ملت، اسطوره جایگاه ویژه‌ای برای قوام‌بخشیدن به مفاهیم فوق یافت. اسطوره‌های ملی و مذهبی نقشی مهم در تشکیل دولت‌های معاصر ایفا کردند. از این منظر اسرائیل هم مستثنی نیست.

در اسرائیل با نوع خاصی از ملی‌گرایی مواجهیم که مبتنی است بر تلقی صهیونیسم از مفهوم ملیت. ملیتی که مبتنی است بر تفسیر صهیونیسم از «کتاب مقدس» و «سرزمین». کتاب مقدس بنیان نظری صهیونیسم و سرزمین تجلی عینی آن است. اما به گفته سند تناقض موجود در ملی‌گرایی صهیونیسم در این نهفته است که این خوانش امکان تحقق دموکراسی در اسرائیل را منتفی می‌کند. از نظر سند، دموکراسی اسرائیل از این نظر ممتنع است که کشور فوق نه کشوری برای ساکنان آن بلکه کشوری است برای یهودیان. این امر ویژگی خاصی است که کمتر دولت مدرنی از آن برخوردار است. از همین‌روست که به گفته سند «هر که از مادری یهودی زاده شده باشد می‌تواند هم خدا را داشته باشد و خرما را -آزاد است در لندن یا نیویورک زندگی کند، با این اطمینان خاطر که اسرائیل مال اوست، حتی اگر نخواهد تحت حاکمیت آن زندگی کند. اما هر که از صلبی یهودی به دنیا آمده باشد و در یافا یا ناصره زندگی کند احساس خواهد کرد که کشوری که در آن به دنیا آمده هرگز مال او نخواهد بود.» (ص۲)

قوم یهود از این‌رو ساخته تفسیر روشنفکرانی یهودی بود که آموزه‌های ناسیونالیسم اروپایی را با کتاب مقدس پیوند داده و با ساختن معجونی از نظریه‌های متفکران قرن نوزدهم و تورات به اختراع مفهوم «قوم یهود» دست زدند. این مفاهیم بعدها از طریق نظام آموزشی «عبری‌شده» به سرتاسر اسرائیل تسری داده شد. تفسیر «درست» تاریخ یهود از طریق طبقه گسترده‌ای از روشنفکران شامل معلمان و نویسندگان و مقاله‌نویسان و شاعران به شکل‌دادن ایدئولوژی صهیونیسم کمک کرد و کتاب مقدس تبدیل به متن درسی ملی اسرائیل شد. کتاب مقدس از طریق تفاسیر متفکرانی نظیر هاینریش گرتس و سیمون دوبنو و زیف یاوتس نقش اصلی در شکل‌دادن به هویت ملی ایفا کرد. تفسیر روشنفکران صهیونیسم از کتاب مقدس زیر سایه خوانش ناسیونالیسم قرن نوزدهم نه تنها درصدد شکل‌دادن به آینده بود بلکه هدفش بازسازی گذشته به نفع تفسیر خود بود. از این‌رو بود که تفاسیر فوق جایگزین کتاب مقدس در سیاست جدید عبری‌سازی آموزش اسرائیل شد.

فرایند عبری‌سازی تنها مختص تفسیر تاریخی جدید از کتاب مقدس مبتنی‌بر ایدئولوژی ناسیونالیسم اروپایی نبود. به گفته سند، کارمندان دولت وادار می‌شدند تا نام خود را به عبری تغییر دهند و اسامی همه سکونتگاه‌های جدید نیز به اسامی عبری تغییر یافت. سیاست‌مداران اولیه اسرائیل به‌رغم داعیه سکولاربودن هر جا می‌توانستند به کتاب مقدس ارجاع می‌دادند و به آن متوسل می‌شدند. تا حدی که موشه دایان، فرمانده سابق ارتش اسرائیل و وزیر دفاع و بعدتر وزیر خارجه آن، عنوان زندگینامه خود را «زندگی با تورات» می‌گذارد و داستان‌های کودکی و نوجوانی خود را با افسانه‌های کتاب مقدس از ابراهیم و اسحاق و یعقوب در هم می‌آمیزد.

اختراع قوم یهود

شلومو سند
ترجمه: احمد علیقلیان
نشر نو
چاپ اول: ۱۳۹۷
قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان

طنز تلخ روزگار این است که بنیانگذاران نظری صهیونیسم تن به منطقی دادند که در قرن بیستم منجر به ظهور نازیسم و فاجعه هالوکاست شد. آنها آگاهانه راه دشمنان خود را انتخاب کرده و به گفته سند دین یهود را «ناسیونالیزه» کردند. مشابهت بین شعار نازی‌ها، «خاک و خون» (blood und boden)، و تاکید صهیونیسم بر سرزمین مقدس (خاک) و نژاد برگزیده (خون) ریشه در میراث مشترک این دو ایدئولوژی یعنی ناسیونالیسم اروپایی جدید دارد.

بدون تردید چنین شعبده‌ای بدون استفاده از مفاهیم نوپای «نژاد» و «خون» که در فضای اروپای قرن هجدهم و نوزدهم خریداران بسیاری داشت ممکن نبود. باز هم از طنز تلخ روزگار این مفاهیم که مورد توجه بنیانگذاران صهیونیسم قرار گرفته بود، پیش‌تر در تنور یهودستیزان بنامی همچون ارنست رنان و امثال او پخته شده بود که بی‌شرمانه داعیه برتری نژاد سفید اروپایی بر نژاد سامی را داشته و یهودیان را وصله ناجور تمدن غربی می‌انگاشتند. به عبارت دیگر، بذر تبدیل شریعت یهود به یک نژاد پیش‌تر توسط ضدیهودیان کاشته شده بود. به همین دلیل سند اندیشه صهیونیسم را «بخشی از آخرین موج بیداری ملی در اروپا» می‌داند. موجی که ختم به بزرگ‌ترین جنگ‌های تاریخ یعنی جنگ جهانی اول و دوم و نابودی بخش عظیمی از جمعیت اروپا شد.

از سوی دیگر، سند به ما نشان می‌دهد که متفکران صهیونیست تنها تحت تاثیر نظریات سیاسی و جامعه‌شناختی ناسیونالیست‌های اروپایی نبودند. بلکه زیست‌شناسی نژادی قرن نوزدهم نقش ویژه‌ای در شکل‌گیری ایدئولوژی صهیونیسم داشت. به رغم اینکه یهودیان خود در زمره اولین قربانیان زیست‌شناسی نژادی قرن نوزدهم شدند اما خود نیز با استفاده از همین مفهوم دست به ساخت «زیست‌شناسی» یهودی خود زدند تا به صورت «علمی» دست به توجیه و طبقه‌بندی نژاد یهود بزنند. امری که به گفته سند همانقدر مبنای علمی داشت که زیست‌شناسی نازی‌ها و چیزی به جز ترکیب ایدئولوژی صهیونیسم با داروینیسم قرن‌نوزدهمی نبود. به گفته سند، هر چند مفاهیمی نظیر خون و نژاد بعد از فاجعه هالوکاست طنین ناخوشایندی برای یهودیان داشت و تاکید مستقیم بر این واژه‌ها از دهه ۱۹۵۰ به بعد رنگ باخت اما این امر نه فعالان علوم زیستی را در اسرائیل از کار بازداشت و نه اعتقاد راسخ صهیونیست‌ها را به خاستگاه مشترک مردم سرگردان (نژاد یهود) سست کرد.

سند علاوه بر نشان‌دادن سستی پایه‌های زیست‌شناسی نژادی، در سندیت تاریخی نظریه‌پردازان صهیونیسم مبنی بر اشتراک نژادی یهودیان با رجوع به اسناد تاریخی تردید می‌کند. شلومو سند با بررسی تاریخ قرن اول مسیحی نشان می‌دهد که برخلاف ادعای مورخین رسمی صهیونیسم رومیان هیچ‌گاه همه اقوام را مجبور به مهاجرت از فلسطین نکردند. او می‌پرسد اگر یهودیان همه تبعید نشده باشند و اگر یهودستیزی کلیسای قرون وسطی را امری اثبات‌شده بدانیم، چه بر سر اکثریت یهودیان فلسطین آمد؟ پاسخ ساده است: عمدتا به اسلام گرویدند. از این‌رو عجیب نیست اگر بگوییم مسلمانان امروز ساکن فلسطین به احتمال زیاد اشتراک نژادی بیشتری با یهودیان اولیه دارند تا یهودیان اشکنازی مهاجر از اروپا. این نظر هر چند عجیب به نظر می‌رسد اما عجیب‌تر اینکه «دیوید بن گورین» اولین نخست‌وزیر اسرائیل نیز نظری مشابه این داشته.

سند همچنین به ما نشان می‌دهد که یهودیان خارج از اسرائیل نیز همه از بازماندگان یهودیان مهاجر نبودند. شرح و تفصیل این نکته یکی از جذاب‌ترین بخش‌های کتاب است. یعنی بخشی که سند با تحقیق پیرامون امپراتوری خزرها در آسیا نشان می‌دهد که خزرها آموزه‌های تورات را پذیرا شدند و دست به تشکیل یک امپراتوری یهودی در این منطقه زدند. واقعیتی که تعمدا از سوی تاریخ‌نگاران رسمی صهیونیسم به آن کمتر توجه شده زیرا مستقیما اسطوره هم‌ریشه‌بودن همه یهودیان با یهودیان اولیه را زیر سؤال می‌برد. هر چند به گفته سند به سبب تاثیرات نژادپرستی اروپایی رسوب‌کرده در متفکران اولیه صهیونیسم، آنها هیچ‌گاه روی خوشی به یهودیان غیراروپایی (مزراحی‌ها) از جمله یهودیان آفریقایی و خاورمیانه‌ای نشان ندادند.

کتاب سند اثری خواندنی است با ترجمه‌ای روان. به نظر می‌رسد خواندن این کتاب که نمونه‌ای مثالی است از درهم‌تنیدگی اسطوره و سیاست در دنیای معاصر آن‌هم در زمانی که در سرتاسر جهان بار دیگر شاهد شکل‌گیری جریان‌های دست‌راستی ملیت‌گرا و قومیت‌گراییم نه تنها لازم بلکه واجب است.

مرور

فلسفه بخش عمومی

● در دو، سه دهه گذشته جریان جماعت‌گرایی به‌طور جدی در ایران معرفی و بسیاری از آثار جماعت‌گرایان به فارسی ترجمه شده است. جماعت‌گرایان از دهه ۱۹۷۰ با نقد مبادی لیبرالیسم وارد عرصه نظریه سیاسی و اجتماعی شدند. اگرچه آنها جانب‌دار نظام‌های دموکرات در دولت‌های لیبرال‌اند، منتقد جدی فردمحوری لیبرالی هم به حساب می‌آیند. در نظر آنان زمانی که به دولت ایده‌آل خود می‌اندیشیم، باید کانون توجه را نه «فرد» بلکه «جماعت» در نظر گرفت. ازاین‌رو، جماعت‌گرایان بر اهمیت نیروهای اجتماعی، جماعت و پیوندهای اجتماعی به‌عنوان عوامل مغفول در ایدئولوژی‌های فردگرایانه لیبرالی تاکید داشتند. ازجمله متفکران مشهور این جریان مایکل سندل است که در سال‌های اخیر بسیاری از کتاب‌های او به فارسی ترجمه شده‌اند. به‌تازگی کتاب «اخلاق در سیاست» با ترجمه افشین خاکباز و به همت نشر نو منتشر شده است. سندل در این کتاب می‌کوشد به این سؤال‌ها پاسخ دهد: «جایگاه دروغ در عرصه سیاست کجاست؟ آیا اقتصاد سیاسی باید به دنبال هموارساختن راه رشد اقتصادی و توزیع ثمرات آن باشد یا اینکه استقرار ترتیباتی اقتصادی را پی بگیرد که زمینه تربیت مردم و تبدیل آنان به شهروند را مهیا می‌کند؟ آیا بدون پرداختن به مسائل بحث‌انگیز اخلاقی همچون سقط‌جنین، حریم خصوصی، آزادی‌های فردی و محدوده آن، حد و مرز پژوهش‌های سلول‌های بنیادی و مسائلی از این دست می‌توان به سیاست‌گذاری در عرصه عمومی پرداخت؟ منظور از زندگی خوب چیست و چنین مفهومی چه نسبتی با برنامه‌های دولت دارد؟ آیا دولت باید برای دستیابی به آرامش اجتماعی و همزیستی از پرداختن به چنین مسائل اختلاف‌انگیزی پرهیز کند یا اینکه تربیت شهروندان اخلاق‌مدار بر اساس اصول اخلاقی غالب در جامعه را بر هر وظیفه دیگری مقدم بشمارد و لباس قانون بر تن اخلاق بپوشاند؟». سندل در پاسخ به این پرسش‌ها مثال‌های متنوعی می‌زند که بسیاری از آنها، ازجمله نحوه رفتار با اقلیت‌های قومی و دینی یا مسئله تبعیض مثبت، از دل‌مشغولی‌های همیشگی جوامع متکثری است که از تنوع قومی و دینی برخوردارند، نظیر جامعه ما. ولی برخی دیگر از مثال‌هایش بیشتر در بافت و شرایط فرهنگی جوامع غربی معنا دارند و دغدغه جوامعی همچون جامعه ما نیستند. بااین‌حال، حتی این فصول هم که به چنین مسائلی می‌پردازند از نظر شیوه رویکرد به مسائل اخلاقی بسیار بحث‌برانگیزند.

اخلاق در سیاست

مایکل سندل
ترجمه: افشین خاکباز
ناشر: نشر نو
چاپ اول: ۱۳۹۷
قیمت: ۴۹۰۰۰ تومان

به گفته سندل، مقاله‌هایی که در این کتاب آمده آن‌دسته از معضل‌های اخلاقی و مدنی را بررسی می‌کند که به زندگی عمومی در آمریکا جان می‌بخشد. بخش نخست که «زندگی مدنی در آمریکا» نام دارد، نگاهی اجمالی به سنت سیاسی آمریکا دارد و نشان می‌دهد که معضل ارزش‌های اخلاقی که امروزه لیبرال‌ها خود را در آن گرفتار می‌بینند در مقایسه با گذشته تغییرات بسیاری کرده است. مقالات این بخش نشان می‌دهد چطور لیبرالیسم دیدگاه اخلاقی و مدنی خود را از دست داد و آیا می‌توان در زمانه ما به برنامه خودفرمانی جانی دوباره بخشید. بخش دوم با عنوان «استدلال‌های اخلاقی و سیاسی» به برخی از بحث‌های اخلاقی داغ دو دهه گذشته ازجمله تبعیض مثبت، خودکشی با کمک دیگران، سقط‌جنین، حقوق همجنس‌خواهان، پژوهش‌های سلول‌های بنیادی، مجوزهای آلایندگی، دروغگویی رئیس‌جمهور، مجازات بزهکاران و معنای تسامح و نقش دین در حیات عمومی می‌پردازد. هدف سندل از طرح مسائلی همچون سقط‌جنین و حقوق همجنس‌خواهان تبیین مبانی و زمینه‌های پیدایش شیوه‌هایی است که دولتمردان برای سیاست‌گذاری در بخش عمومی به کار می‌برند. او دیدگاهی را که همه‌چیز را به فرد و انتخاب و حقوق افراد واگذار می‌کند، نمی‌پذیرد و تاکید دارد عادلانه یا ناعادلانه‌بودن قوانین تا حدی به اخلاقی یا غیراخلاقی‌بودن آنها بستگی دارد و دولت‌ها نباید خود را کاملا از این حوزه کنار بکشند و درباره جنبه‌های اخلاقی چنین مسائلی بی‌اعتنا باشند. بخش سوم، «لیبرالیسم و تکثر و جامعه»، از بحث و جدل‌های اخلاقی و سیاسی خاصی که در بخش دوم مطرح شد فاصله می‌گیرد تا انواع مختلف نظریه‌های سیاسی لیبرال را بررسی کند که امروزه اهمیت دارند. در این بخش مثال‌هایی درباره نظریه‌های سیاسی ارائه شده که آشکارا بر اندیشه‌های اخلاقی و دینی استوارند و با وجود این، پایبندی به تکثر را حفظ می‌کنند. بسیاری از مقالاتی که در این کتاب آمده، مرز میان اظهارنظر سیاسی و فلسفه سیاسی را مبهم می‌سازند و از دو منظر می‌توان آنها را تلاشی در حوزه فلسفه بخش عمومی دانست: آنها از یک سو در بحث و جدل‌های سیاسی و حقوقی زمانه ما جایی برای فلسفه باز می‌کنند و از سوی دیگر، تلاشی‌اند برای فلسفه‌ورزی در حوزه زندگی عمومی؛ یعنی واردکردن فلسفه اخلاقی و سیاسی در گفتار عمومی معاصر.